

مسجد جامع اصفهان

تجلی گاه محراب‌های نهان و آشکار

میتر شاطری

عضو هیئت علمی گروه باستان‌شناسی دانشگاه شهرکرد
mshateri@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۴

چکیده

با حضور اسلام در ایران و در پی گرویدن ایرانیان به آیین نوین و لزوم برپایی نمازهای روزانه و آدینه، برخی از پرستشگاه ادیان دیگر به مسجد تغییر داده شد یا مساجد نوین برپا گشت. در پایان سده نخست و در نخستین دهه‌های سده دوم هجری قمری، ارکان عمده مسجد و وجوه مشخصه آن شکل کلی خود را یافت. محراب نیز به عنوان یکی از این ارکان در راستای بازشناسی سمت و سوی قبله و جایگاه ایستادن امام جماعت مد نظر قرار گرفت. مساجد جامع به عنوان پایگاه‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، علمی، و حتی سیاسی و اقتصادی، مهم‌ترین بخش کلان‌شهرها به شمار می‌رفت که در ساخت، توسعه و بازسازی و تزیین هرچه بهتر و بیش‌تر آن سعی و تلاش وافر به کار گرفته می‌شد. در میان مساجد جامع برپاشده در ایران، مسجد جامع عتیق اصفهان از ویژگی‌های شاخصی برخوردار است و سیر تکاملی ساخت، بازسازی، گسترش و تزیین آن از سده دوم هجری قمری تا عصر حاضر از شاخص‌ترین آنها به شمار می‌رود. به واسطه همین ویژگی و وجود ۱۷ محراب آشکار و نهان در بافت معماری این مسجد که در دوره‌های مختلف تاریخی با عناصر متعدد و روش‌های متنوع تزیینی ساخته و مزین شده است، این مسجد نمونه‌ای بسیار مناسب برای مطالعه و پژوهش سیر تاریخی و ویژگی‌های فنی و تزیینی محراب در ایران است؛ امری که نویسنده این مقاله با هدف تنویر هرچه بیش‌تر تاریخچه محراب در ایران دوره اسلامی سعی در انجام آن داشته است.

واژه‌های کلیدی

محراب، مسجد، مسجد جامع اصفهان، گچبری، کاشیکاری، حجاری.

در دیوار سمت قبله به جهت نشان دادن سمت و سوی خانه خدا ساخته شد؛ جهتی که در نظر مسلمین مقدس‌ترین جهات و جایگاهی برای حرب با شیطان نفس و جهاد اکبر تلقی می‌شد. ساخت محراب به گونه‌ای بود که اغلب با خالی کردن فضایی مستطیل‌شکل از بدنه دیوار و گود کردن قسمتی از زمین در پای دیوار، جایگاهی مشخص و معین ایجاد می‌شد و بدین ترتیب بر بدنه ضلع جنوبی دیوار مساجد در هر دوره، محراب، قابی می‌شد از جلوه‌های گوناگون هنر تزیینی اسلامی (سیف، ۱۳۶۲: ۱۵۴).

ایجاد محراب‌ها در محل برگزاری نماز جماعت، شبستان‌ها، ایوان‌ها و به طور کلی فضاها معمولاً مسقف مطرح بوده است. از این رو در طول سده‌ها محراب کم‌تر دستخوش تغییرات و فرسایش‌های ناشی از عوامل طبیعی یا تخریب‌های ناشی از تهاجمات نظامی و یا مذهبی بوده است. به همین علت معماران و هنرمندان هر دوره نهایت تلاش خود را جهت بهره‌گیری از مناسب‌ترین مصالح، زیباترین و روزآمدترین روش‌های تزیینی متناسب با پیشرفت صنعت و هنر عصر خود، به منظور هرچه باشکوه‌تر ساختن این بخش به کار گرفته اند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۴۴-۱۲۹) در نتیجه با سپری شدن سده‌ها از ظهور اسلام، نمونه‌های متنوعی چه از نظر مصالح و چه از منظر شیوه‌های تزیینی از محراب مساجد برجا مانده است.

در نخستین سده‌های پس از اسلام، معماران گچ را ماده مناسبی برای ساخت و تزیین محراب تشخیص دادند و در این راه از میراث غنی هنر گچبری پیش از اسلام به‌ویژه گچبری دوره ساسانی بهره گرفتند. با پیشرفت صنعت آجرکاری، از آجر و همزمان با آن از سنگ برای ساخت و تزیین محراب‌ها کمک گرفته می‌شد و به دنبال رونق کاشی از سده ششم و هفتم هجری قمری، محراب‌های کاشیکاری‌شده، رواج بی‌سابقه‌ای یافت.

مسجد در معماری اسلامی همواره به عنوان بنیادی‌ترین مکان مذهبی مطرح بوده و هست. در چند سده نخست اسلامی، مساجد آدینه یا جامع از اجزای اصلی نظام اجتماعی شهرنشینی به حساب می‌آمده و از آنچنان اهمیتی برخوردار بوده اند که رفته‌رفته به عنوان یکی از ارکان اصلی و نشانه‌های مشخصه «شهر» به شمار می‌آمده اند و فقط سکونتگاه‌هایی با جمعیت قابل توجه که محل استقرار زعمای مذهبی بود، و در آنها مسجد آدینه برپا می‌شد، «شهر» نامیده می‌شد.

گرچه از نخستین سال‌های پس از ظهور اسلام به منظور مشخص کردن سمت و سوی قبله - که پیامبر(ص) تأکید فراوانی بر آن داشت - تنها از تکه سنگ و یا نشانی کوچک بهره گرفته می‌شد اما پس از اندک زمانی هنرمندان با در نظر گرفتن نمادین بودن این سمت و سو و اشاره آن، به سوی خدا و سرمنشاء هستی، حداکثر اهتمام خود را جهت متعالی ساختن این بخش به کار بردند. تا آنجا که پس از زمانی کوتاه، محراب به عنوان قطب و نقطه توجه مساجد، جزئی از اجزای لاینفک مساجد در سرتاسر جهان اسلام شد.

نویسندگان سده‌های نخستین اسلامی از محراب مسجد پیامبر(ص) که در زمان ولید اموی بازسازی شده است، به عنوان نخستین محراب ساخته‌شده در اسلام نام برده اند. این محراب بر خلاف نمونه‌های پس از خود، در مرکز دیوار قبله قرار نداشت، بلکه در جایگاهی واقع شده بود که طبق احادیث، مکان نماز گذاشتن پیامبر اکرم(ص) بوده است. به عقیده اتینگهاوزن^۱ و گرابار^۲ هدف از ساخت این محراب، نمادینه کردن جایگاهی بود که نخستین پیش‌نماز در آن ایستاده بود (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۷۸: ۳۱). اما پس از این دوره و با رواج بیش از پیش ساخت محراب در مساجد به عنوان یکی از ارکان مسجد، این بخش معمولاً

بر همین اساس مطالعه و پژوهش در حوزه محراب‌ها به تنویر مطالعات معماری اسلامی، سیر تحول سبک‌های معماری، روش‌ها و مضامین تزئینی رایج در دوره‌های مختلف کمک می‌کند. همچنین، مطالعه خط به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر تزئینی محراب‌ها که در قالب آیات، احادیث، تاریخ‌ها، و نام هنرمندان و صنعتگران متجلی است، در پربارتر کردن بررسی‌ها و پژوهش‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی، و حتی اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود.

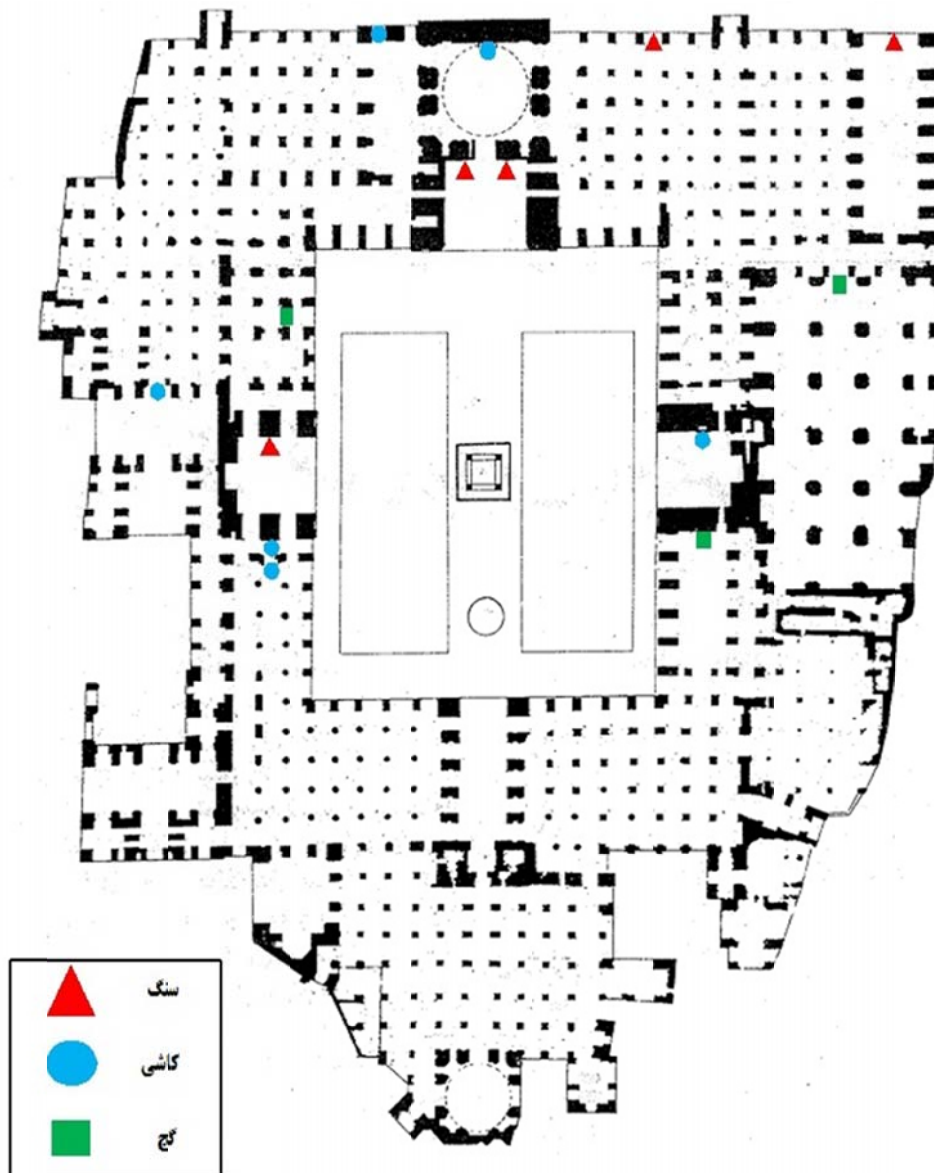
مسجد جامع عتیق اصفهان در میدان کهنه - که امروزه به نام میدان امام علی (ع) نامیده می‌شود - واقع شده و یکی از ارزشمندترین مساجد جامع ایران و جهان اسلام محسوب می‌شود. این مسجد به شیوه چهارایوانی بنا شده و به دلیل ساخت و سازهای مکرر و گسترش‌های دوره‌ای از دوره عباسی تا عصر حاضر، از نظر پژوهشگران معماری و هنر اسلامی، موزه و دایرةالمعارف معماری و تزئینات جهان اسلام است. بنای اولیه این مسجد بر اساس بررسی‌های انجام‌یافته و تأیید متون تاریخی، متعلق به دوره عباسی (سده دوم هجری) بوده است، اما عمده ساخت و سازهای قابل رؤیت متعلق به دوره‌های پس از آن همچون آل بویه، سلجوقیان، ایلخانان، مظفریان، تیموریان، آق قویونلوها، صفویان، و قاجار است. (شرودر، ۱۳۸۷: ۱۱۶۷-۱۱۶۶؛ (Babaie and Haug, 2007: 33-20).

موضوع پژوهش حاضر مطالعه یکی از ارکان مهم مسجد جامع عتیق اصفهان یعنی محراب‌های موجود قابل مشاهده و تعدادی از محراب‌های نهان در بافت مسجد است که شواهدی از آنان در دست است. چرا که علی‌رغم کثرت محراب‌ها در این مسجد، تاکنون در هیچ متنی به همه محراب‌های آن اشاره نشده است و اشارات موردی

نیز به محراب الجایتو منحصر بوده که شهرتی جهانی دارد. این در حالی است که دیگر محراب‌های این مسجد نیز از دیدگاه هنری و سیر تحولات تزئینات وابسته به معماری اسلامی در ایران قابل توجه هستند.

در اشارات معدود به محراب‌های جامع اصفهان، تعداد محراب‌ها ۹ عدد ذکر شده است، در حالی که تعداد واقعی محراب‌های قابل رؤیت ۱۴ عدد است که از آنجا که سالم مانده اند، بررسی و مطالعه آنها در مقام مجموعه‌ای تاریخی - هنری در راستای مطالعات حوزه محراب، اطلاعات مفیدی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد همچنان‌که پیش از این نیز یادآوری شد، برخی از محراب‌های تاریخی مسجد، توسط اجزاء و عناصر الحاقی یا در گسترش‌های ادوار بعدی، پوشیده شده، مرمت یا بازسازی شده اند که بر اساس شواهد به دست‌آمده در گمانه‌زنی‌ها و پیگردی‌هایی که توسط موسسه ایزمئو^۳ به سرپرستی اوژنیو گالدیری^۴ انجام یافته، حداقل سه مورد از آنها شناسایی شده است.

چهارده محراب قابل رؤیت مسجد جامع در جبهه‌های جنوبی، شرقی، و غربی مسجد قرار گرفته است در حالی که هیچ محرابی در ضلع شمالی مسجد به چشم نمی‌خورد که این امر بر اساس موقعیت و کاربری این ضلع (همسویی با قبله) توجیه‌پذیر است (حاتم، ۱۳۷۹: ۱۹؛ طاووسی و آزادی، ۱۳۸۵: ۳۳) از سوی دیگر اشاره متون به کارکرد غیر مذهبی این بخش و تعلق آن به بخش‌های تشریفاتی، اداری یا درباری، توجیه دیگری بر فقدان محراب در این جبهه است. در میان سه ضلع مورد نظر، بیش‌تر محراب‌ها در ضلع جنوبی و معدودی از آنها در ضلع غربی مسجد قرار گرفته اند (نقشه ۱).



نقشه ۱- پراکنش محراب‌های مسجد جامع عتیق بر اساس نوع مصالح (مأخذ: گالدیری، ۱۳۷۰ و تکمیل: نگارنده).

اشغال بیش‌تر فضای محراب با کاشی، محراب مورد نظر در زمره محراب‌های کاشیکاری شده به حساب آمده است. همچنین محراب شبستان جانبی گنبدخانه خواجه نظام‌الملک جزء محراب‌های سنگی، طبقه‌بندی شده گرچه قطعات کوچک کاشی معرق نیز در تزیین آن به کار رفته است (جدول ۱).

محراب‌های مسجد با مصالح مختلف ساخته شده و با شیوه‌های متعددی تزیین شده اند. در مجموع ۶ محراب از کاشی، ۵ محراب از سنگ و ۳ محراب نیز از گچ ساخته شده اند. البته در ساخت برخی از محراب‌ها همچون محراب موجود در گنبدخانه خواجه نظام‌الملک از تلفیق دو عنصر کاشی و سنگ بهره گرفته شده است که به سبب

جدول ۱. پراکنش محراب‌های مسجد جامع اصفهان بر اساس موقعیت مکانی.

غرب			شرق				جنوب و جنوب‌شرق							
۳			۵				۶							
سنگ-گچ	سنگ-کاشی	کاشی	سنگ	گچ	سنگ-گچ	سنگ-کاشی	کاشی	سنگ	گچ	سنگ-گچ	سنگ-کاشی	کاشی	سنگ	گچ
گچ	کاشی		-	۲	۱	-	۳	-	۱	۱	۲	۱	۲	-

در بخش مرکزی نیز در قابی چهارگوش به خط بنایی آمده: «قال النبی علیه السلام انا مدینه العلم و علی بابها». بدین ترتیب آیات حک شده بر دو جبهه پیشانی محراب سنگی و قاب مرکزی در واقع بازگوکننده یکی از اعتقادات شیعی است.

در بخش زیرین پیشانی، سه ردیف قطاربندی با ظرافت هرچه تمام‌تر حجاری شده است. قوس محراب جناغی است و لچکی‌های آن با نقوش اسلیمی برجسته تمامی مزین شده است. در مرکز هر یک از لچکی‌ها و در میان انبوه نقوش اسلیمی پس‌زمینه، و در بخش فوقانی قوس محراب، سه قاب چهارگوش کوچک به چشم می‌خورد که کتیبه‌هایی به خط بنایی در خود دارد. در قاب سمت راست، عبارت «لا اله الا الله» و در بخش فوقانی قوس «محمد رسول الله» و بالاخره در ضلع چپ آن «علی ولی الله» نگاشته شده است.

محراب دارای دو طاق‌نما است که دوطاق‌نما داشتن آن از ویژگی‌های محراب‌های اصلی است. قوس جناغی کوچک‌تر محراب از جنس سنگ است و با طرح شیاردار و مارپیچ حجاری شده که در انتها به دو گلدان ظریف منتهی می‌شود. خط فوقانی پیشانی محراب سنگی نیز با غنچه‌های ترنجبی شکل حجاری شده است که از نقوش رایج دوره صفوی است. نمونه همسان با این نقش را در دورتادور سنگاب ایوان جنوبی (صاحب) با تاریخ ۱۱۰۲ ق مقارن سلطنت سلطان سلیمان صفوی می‌توان یافت.

قوس سنگی محراب در قابی بزرگ‌تر از جنس گچ قرار

به منظور بررسی مؤثرتر و همه‌جانبه، محراب‌های این مسجد بر اساس موقعیت مکانی، مصالح، تزئینات، نقوش، و تاریخ ساخت یا تحول بررسی شده اند.

محراب‌های ضلع جنوبی

الف. محراب شبستان چهلستون صفوی

در جبهه جنوب غربی مسجد، شبستانی وجود دارد که ادامه شبستان موازی دیوار قبله به سمت غرب است. سطوح این شبستان ساده و بدون تزئینات است و حتی محراب موجود آن نیز از سادگی شبستان پیروی کرده است. این شبستان با تغییر بخش غربی شبستان تیموری در دوره صفوی و تبدیل آن به شبستان موسوم به صفوی، شکل گرفته است (لاله، ۱۳۷۹: ۲۱۰). محراب سنگی این شبستان از جنس مرمر نفیس و یکپارچه حجاری شده و ابعاد آن ۱۲۷×۲۲۰ سانتی‌متر است (تصویر ۱). پیشانی محراب با کتیبه‌ای با قاب چهارگوش و مزین به خط بنایی به دو بخش تقسیم شده که در هر بخش دو مصرع از یک بیت در وصف حضرت علی(ع) یکی برفراز دیگری به خط ثلث و به صورت برجسته، حجاری شده است. متن اشعار بخش راست بدین شرح است:

«مصطفی شد شهر علم، آن مملکت را در علی است /

تا دهندت راه در این شهر علم، از در، درآ»

و کتیبه سمت چپ:

«از در اهل صفا روی مگردان ایدل /

راه دور است، از این در به خدا نزدیک است»



تصویر ۱. محراب سنگی شبستان صفوی. ضلع جنوب غربی مسجد جامع عتیق. (مأخذ: نگارنده)

اسلمی، سه گل ترنجی شکل ایجاد شده که داخل هر یک از آنان بخش‌هایی از یک حدیث نبوی به خط ثلث برجسته حک شده است. در لچکی سمت راست: «قال النبی صل الله» و در بخش فوقانی قوس: «علیه و آل و سلم» و در لچکی سمت چپ: «انا مدینه العلم و علی بابها». این حدیث که به یکی از مهم‌ترین مبانی اعتقادی تشیع یعنی امامت اشاره دارد در آثار دوره صفوی به کرات استفاده شده است.

قطعات کوچک کاشی به رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای به صورت معرق و در قالب طرح شش و شمسه حمیل‌دار در نیمه فوقانی قوس داخلی محراب اجرا شده است (ماهرالنقش، عدل، ۱۳۶۲-۱۳۶۱: ۱۴۵). دو سکوی بلند اما کم‌عرض در دو سوی محراب به چشم می‌خورد که احتمالاً محل قرارگیری شمع‌های نذری بوده است چرا که

گرفته و سقف آن دارای تزیینات ساده کاربردی است. قوس بزرگ‌تر نیز جناغی است و لچکی‌های آن ساده و بدون تزیین رها شده اند و در بخش زیرین آن چندین قاب ترنجی و چهارگوش با کتیبه‌هایی به رنگ سفید در پس‌زمینه‌ای لاجوردی دیده می‌شود. در قاب ترنجی فوقانی «بسم الله الرحمن الرحیم» و در دو قاب دیگر عبارات: «عجلوا بالصلاه قبل الفوت» و «عجلوا بالتوبه قبل الموت» و در بخش‌های دیگر نام پنج تن آورده شده است. جایگاه ایستادن امام در پای محراب حدود چهل سانتی‌متر فرو رفته و پوشیده از کاشی خشت فیروزه‌ای رنگ است.

با در نظر گرفتن ویژگی‌های این محراب و عناصر و ارکان تزیینی و کتیبه‌های به‌کاررفته در این محراب، می‌توان ساخت آن را همزمان با تغییرات ایجادشده در این بخش و احتمالاً متعلق به اوایل دوره صفوی دانست. این در حالی است که محراب یادشده یکی از دو محراب پیشنهادی گالدیری برای شبستان دوره تیموری در جنوب غرب مسجد است که به زعم وی پس از تغییرات ایجادشده در دوره صفوی همچنان مورد استفاده قرار گرفته است (گالدیری، ۱۳۷۰: ۶۷) اما مضامین کتیبه‌های تزیینی این محراب، چه در بخش گچبری‌شده آن و چه در بخش سنگی آن به اصل تشیع تصریح دارد لذا تعلق آن به دوره صفوی بیش از دوره تیموری محتمل به نظر می‌رسد.

ب. محراب شبستان مجاور گنبدخانه نظام‌الملک

در شبستان چهلستون سلجوقی واقع در بخش غربی گنبد خواجه نظام‌الملک، محرابی از سنگ مرمر بسیار نفیس یکپارچه به ابعاد ۱۲۷×۲۲۸ سانتی‌متر وجود دارد (تصویر ۲). این محراب در قابی سنگی محصور است و یک طاق‌نما دارد. لچکی‌های قوس جناغی محراب با نقوش اسلمی برگی چنگ‌دار برجسته تزیین شده است. در بخش فوقانی قوس و دو لچکی آن، و در میان پس‌زمینه



تصویر ۲- محراب سنگی شبستان جانبی شبستان نظام الملک. (مأخذ: نگارنده)

در سال‌های گذشته آثار دوده حاصل از برافروختن شمع و آثار موم شمع بر دیواره این سکوها قابل رؤیت بود، اما امروزه این بخش‌ها با لایه‌ای از اندود گچ پوشانده شده است. جایگاه ایستادن امام در پای این محراب از سطح زمین‌های اطراف عمیق‌تر است و با کاشی تکرنگ فیروزه‌ای پوشیده شده است.

این محراب به دیوار جنوبی الحاق شده و فاقد رقم است. لذا تعیین تاریخ دقیق آن امکان‌پذیر نیست، اما نوع نقوش تزئینی و شیوه اجرای آن، به‌ویژه کتیبه حجاری‌شده محراب که به اصل امامت تأکید دارد، احتمال تعلق آن به دوره صفوی را تقویت می‌کند. گرچه گالدیری از این محراب به عنوان یکی از دو محراب احتمالی انتقال‌یافته از شبستان دوره تیموری (در جنوب غرب مسجد که بعدها بخشی از آن به شبستان صفوی تغییر یافت) نام می‌برد (گالدیری، ۱۳۷۰: ۶۷-۶۶)، اما بر اساس کتیبه‌های این محراب، چنین انتسابی چندان نزدیک به واقعیت به نظر نمی‌رسد (تصویر ۲).

گالدیری این محراب را متعلق به زمانی پیش از حکومت صفوی می‌داند (گالدیری، ۱۳۷۰: ۲۱) اما هنرفر آن را به دوره صفوی و به صورت مشخص به دوره حکومت شاه طهماسب اول منتسب می‌سازد (هنرفر، ۱۳۵۰: ۸۲) در هر صورت محراب موجود احتمالاً متعلق به دوره آق‌قویونلو یا صفوی است.

بر اساس شواهد و قرائن، پیش از محرابی که امروزه بر دیوار جنوبی این فضا خودنمایی می‌کند، در این فضا حداقل در دو دوره، محراب‌های دیگری با تزییناتی متفاوت اما با عظمتی درخور، قرار داشته است که با گمانه‌های ایجادشده در این قسمت توسط هیئت ایتالیایی، بخشی از آثار و شواهد محراب دوره عباسی در کاوش‌های گنبدخانه و محراب دوره سلجوقی در زیر محراب سنگی و

ج. محراب گنبدخانه خواجه نظام‌الملک

در میان دیوار جنوبی گنبدخانه اصلی مسجد جامع عتیق اصفهان که به نام وزیر مشهور سلاجقه و بانی آن، «گنبدخانه خواجه نظام‌الملک» نامیده می‌شود، محرابی از کاشی و سنگ دیده می‌شود که از نظر اندازه و ابعاد به دیگر محراب‌های مسجد متمایز است. چرا که ابعاد و اندازه این محراب می‌بایست نشان‌دهنده اهمیت و جایگاه گنبدخانه وسیع نظام‌الملک در مسجد جامع شهر می‌بود (تصویر ۳).

کامل کرده است. این محراب از عظیم‌ترین محراب‌های ساخته‌شده در مساجد جامع به شمار می‌آید (تصویر ۳).



تصویر ۳. محراب گنبدخانه نظام الملک. (مأخذ: نگارنده)

د. محراب شبستان شرقی گنبد خانه نظام الملک

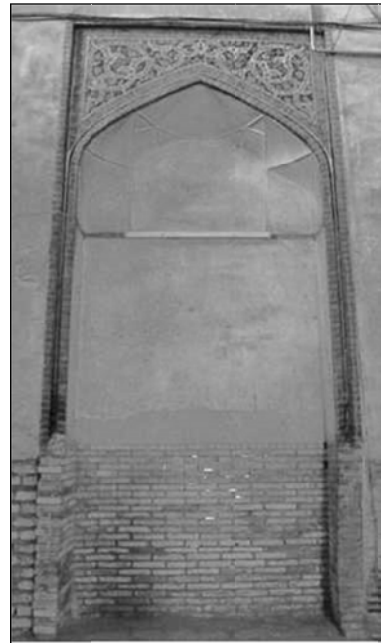
در شبستان شرقی گنبدخانه نظام الملک که بخش‌های اصلی آن متعلق به دوره سلجوقی است، محراب کاشیکاری‌شده ساده‌ای وجود دارد (تصویر ۴). این محراب با بیش از ۳/۵ متر ارتفاع از محراب‌های رفیع مسجد محسوب می‌شود. وجود این محراب به گونه‌ای بر حدس مذهبی بودن این بخش، بر خلاف گفته مافروخی که این بخش را کتابخانه معرفی کرده، اثرگذار بوده است. لچکی‌های قوس جناغی محراب را تزیینات کاشی خشتی هفت‌رنگ با نقوش اسلیمی دهن‌اژدری و خرطوم‌فیلی سفید با حواشی زرد پوشانده است. تزیینات داخلی نقوش اسلیمی و پس‌زمینه

کاشیکاری امروزی نمایان شده است که در بخش محراب‌های نهان به آنها پرداخته خواهد شد (طرح ۱).

محراب امروزی از مرمر یکپارچه و کاشی معرق ساخته شده است و از نوع محراب‌های دارای دو طاق‌نما است که بر روی محراب پیشین قرار گرفته است. طاق نخست از جنس کاشی و دومین طاق سنگی است. بر زمینه لاجوردی کاشیکاری‌شده این محراب که بخش‌هایی از کتیبه حاشیه بزرگ آن را در بر گرفته است، به خط ثلث و به رنگ سفید آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سوره بقره نگاهشته شده است. همچنین بر بخش فوقانی محراب در یک لوح لوزی‌شکل گچین به خط بنایی، سوره توحید با ظرافت هرچه تمام‌تر گچبری شده است. کتیبه سرتاسری خارجی نیمه قوس داخلی محراب با تزیینات کاشیکاری معرق مزین شده و بخش‌های دیگر به زیبایی از سنگ مرمر یکپارچه تراشیده شده است. تزیینات بخش حجاری‌شده در بخش مرکزی محراب از گلدانی بزرگ تشکیل شده است که عناصری گیاهی اما انتزاعی همچون ترنج از آن سر بر کشیده اند. به نظر می‌رسد تزیینات گلدانی و عناصر گیاهی سربرکشیده از آن - که نمادی از درخت طوبی است - جایگزین قندیل‌هایی شده است که در گذشته به‌ویژه از سده ششم تا دهم هجری قمری بر بخش داخلی محراب‌ها ترسیم می‌شده است (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۰۸). سر بر کشیدن عناصر گیاهی از گلدان به عنوان تزیین بخش مرکزی محراب در دو محراب سنگی مدخل ورودی ایوان صاحب به همین گنبدخانه نیز تکرار شده است و از آنجایی که این محراب‌های سنگی به سال ۹۱۸ ق تعلق دارند از این رو شاید بتوان ساخت این محراب و حجاری آن را نیز به همین دوره زمانی منتسب کرد. در دو سوی این بخش که بخش زیرین کتیبه کاشیکاری‌شده را در بر می‌گیرد، ستون‌های باریک و بلند با بدنه‌ای ماریج و پایه‌ستونی گلدانی شکل از سنگ مرمر وجود دارد که تزیین محراب را

آن نیز با نقوش اسلیمی و ختایی ظریف‌تر تزیین یافته که باعث جلوه بیشتر نقش‌ها بر زمینه لاجوردی شده است. از دیگر ویژگی‌های این محراب آنکه فقط یک طاق دارد و فاقد بخش کتیبه دور محراب و اطراف قوس خارجی است و این امر نشانه‌ای از فرعی بودن این محراب است. زیر طاق، کاربندی ساده‌ای با گچ اجرا شده تا محرابی ساده اما زیبا به نمایش گذاشته شود.

این محراب فاقد هرگونه کتیبه، تاریخ یا رقم است اما استفاده از کاشی خشتی هفت‌رنگ، نوع نقوش و رنگ‌های به‌کاررفته در کاشی‌های آن، و نوع قوس محراب آن را به احتمال به دوره صفوی یا کمی پیش از آن منتسب می‌کند.



تصویر ۴. محراب کاشیکاری شبستان شرقی گنبدخانه نظام‌الملک (مأخذ: نگارنده).

هـ محراب ضلع غربی ورودی ایوان جنوبی به گنبدخانه خواجه نظام‌الملک در دو سوی مدخل ورودی ایوان جنوبی مسجد به

گنبدخانه نظام‌الملک که با نام ایوان «صاحب» شهرت دارد، دو محراب کوچک سنگی به صورت همسان و مضاعف وجود دارد که هر دو از سنگ مرمر یکپارچه و در یک زمان ساخته شده است (تصویر ۵).

محراب ضلع غربی مدخل ورودی، مستطیل‌شکل و از سنگ مرمر یکپارچه به ابعاد ۸۴×۱۴۵ سانتی‌متر است که بر قاب پیشانی آن به خط ثلث برجسته عبارات «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله حقاً» و بر حاشیه‌های آن ۱۲ لوح هر یک به طول ۳۰ سانتی‌متر تعبیه شده که در قاب آن عبارت «قال الله تعالی و ما ارسلناک الا للعالمین» دو صلوات بر پیامبر اکرم (ص) و دوازده امام معصوم نگاشته شده است (تصویر ۶).

کتیبه‌های صلوات از حاشیه فوقانی به سوی حاشیه سمت چپ و سپس سمت راست حک شده است. کلمات حجاری‌شده در هر قاب پیوسته ذکر شده و این در حالی است که از ۱۲ قاب ایجادشده فقط ۱۰ قاب دارای نوشته است و ۲ قاب باقیمانده در بخش تحتانی محراب، خالی و بدون کتیبه رها شده است.

حد فاصل قاب‌ها را شمشه‌های هشت و گل‌های صدپیر مزین کرده است. در زیر کتیبه پیشانی دو ردیف قطاربنندی به چشم می‌خورد. قوس محراب برگ شبدری است و در میان آن گلدانی حک شده که از میان آن ترنجی سر بر کشیده است. سطح گلدان، ترنج، و سرترنج با نقوش اسلیمی و ختایی ظریف تزیین شده است. همچون محراب گنبدخانه نظام‌الملک، گلدان حجاری‌شده این محراب جایگزین عنصر قندیل - که در دوره‌های پیش از صفوی رواج داشته - شده است. سال انجام اثر در انتهای کتیبه دیگر محراب، ۹۱۸ ق ذکر شده که مقارن سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ ق) است.



تصویر ۵. محراب‌های سنگی دو سوی مدخل ورودی گنبدخانه نظام‌الملک (مأخذ: نگارنده).

سنگ مرمر و به همان اندازه ۸۴×۱۴۵ سانتی‌متر وجود دارد (تصویر ۷) که کتیبه پیشانی آن به خط ثلث برجسته نگاشته شده و متن آن چنین است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله الحسن و الحسین سبط رسول الله»، در دو قاب ترنجی فوقانی آمده: «ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلموا تسلیما» و سپس در ۱۲ قاب ترنجی دیگر در چهار سوی محراب درود و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) تقریباً به شکل محراب مقابل، حک شده است. با این تفاوت که جهت نگارش در این بخش متفاوت است و تمامی ۱۲ قاب تعبیه شده، کتیبه دار اند و قابی بدون کتیبه رها نشده است. لذا خطوط با آزادی بیشتری در درون قاب‌ها جای گرفته است. در انتهای متن کتیبه قاب دوازدهم (درود بر آخرین امام) نام خطاط و سال اتمام کار «العبد تاج‌الدین سنه ۹۱۸» مقارن حکومت شاه اسماعیل اول ذکر شده است. لازم به ذکر است که خط دو لوح کاشی مستطیل شکل طرفین صفة صاحب نیز که به خط ثلث بر کاشی لاجوردی نقش شده از آثار همین خطاط است و نام او به صورت «تاج‌الدین معلم اصفهانی» آورده شده است



تصویر ۶. محراب سنگی. ضلع غربی مدخل ورودی گنبدخانه نظام‌الملک (مأخذ: نگارنده).

و. محراب ضلع شرقی ورودی ایوان جنوبی به گنبدخانه خواجه نظام‌الملک

در ضلع شرقی مدخل ایوان جنوبی به گنبدخانه نظام‌الملک و قرینه محراب ضلع غربی ورودی محراب دیگری از

(قدسی، ۱۳۷۸: ۱۲۲).

در زیر کتیبه پیشانی سه ردیف قطاربندی حجاری شده که در مقایسه با محراب دیگر از ظرافت و دقت بیش‌تری برخوردار است. قوس این محراب نیز از نوع برگ‌شبدری است و در میان خود نقش گلدان، ترنج، و سرترنج دارد اما در این محراب ترنج، سرترنج، و گلدان بدون تزیین و عاری از هر نقشی رها شده است. بر اساس ویژگی‌های یادشده چنین به نظر می‌رسد که ابتدا محراب ضلع غربی مدخل و سپس محراب ضلع شرقی حجاری و آماده شده است.



تصویر ۷. محراب سنگی ضلع شرقی مدخل ورودی گنبدخانه نظام‌الملک (مأخذ: نگارنده).

محراب‌های ضلع شرقی

الف. محراب گچبری راهرو ورودی شرقی مسجد

ورودی شرقی مسجد به راهروی مسقف متصل است که به فضای منتسب به کتابخانه و بقیه شبستان‌های جنوبی و صحن چهار ایوانی منتهی می‌شود. در دیواره جنوبی انتهای این راهروی مسقف و نزدیک به صحن، محرابی قرار دارد

که سالیان درازی به سبب قرار گرفتن در فضایی تاریک و دور از چشم، کم‌تر مورد توجه بوده است (تصاویر ۸ تا ۱۰). این محراب گچبری، بسیار نفیس است و با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فردی که دارد می‌توان آن را از محراب‌های ارزشمند این مسجد پس از محراب الجایتو به شمار آورد.

محراب دارای دو طاق‌نما یکی برفراز دیگری است. قوس طاق‌نمای فوقانی و بزرگ‌تر کلیل است و لچکی‌های آن با تزیینات اسلیمی درشت و برجسته، گچبری شده است. بخش فوقانی این قوس به خط محقق سوره فاتحه و پس از آن عبارت: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله» آورده شده است. بر بخش فوقانی ستون‌های این محراب به خط کوفی در یک سو عبارت «الملک لله» و در سوی دیگر عبارت «الحکم لله» آمده است.

در حد فاصل طاق محراب و ایستاد نگاه امام، در چندین قاب نقوش زیبا و بدیع گچبری برهشته‌کاری و آژده‌کاری شده به چشم می‌خورد که با نقوش متنوع هندسی (به‌ویژه چندضلعی‌ها)، اسلیمی، و کتیبه‌ای تزیین شده است. محراب فاقد تاریخ و حتی نام خطاط و سازنده است ولی بر اساس شواهد و قرائن، می‌توان آن را به دوره ایلخانی منتسب کرد. چرا که ویژگی‌های محراب‌های گچبری دوره ایلخانی از جمله بهره‌گیری از گچ و تزیین گچبری برهشته^۵ در محراب‌ها به صورت گسترده، پرکار بودن تزیینات و فضای خالی اندک، بهره‌گیری از الگوهای اسلیمی شلوغ و بسترسازی با نقوش هندسی ترکیب‌یافته از چندضلعی‌ها، دارا بودن دو یا چهار ستون، آراستن حواشی محراب با کتیبه‌های متنوع به خط ثلث، کوفی، و محقق بر زمینه‌ای پرشده از نقوش گیاهی، استفاده از برگ‌های درشت و حلزونی‌شکل برجسته، و همچنین استفاده از خطوط متقاطع و لانه‌زنبوری، همگی در این محراب آشکارا به چشم می‌خورد. در این دوره محراب‌ها در ابعاد



تصویر ۱۰. جزئیات گچبری محراب راهروی شرقی مسجد جامع عتیق اصفهان (مأخذ: نگارنده).

ب. محراب ایوان شرقی

بر دیوارهٔ جنوبی ایوان شرقی که به ایوان شاگرد موسوم است، محرابی از سنگ مرمر یکپارچه وجود دارد (تصویر ۱۱). این محراب از یک بخش مرکزی و دو بخش جانبی تشکیل شده است. بخش مرکزی یکپارچه و به ابعاد 225×143 سانتی‌متر است و بخش‌های کناری هر یک ابعادی برابر با 58×132 سانتی‌متر دارند و با قوس جناغی دندان‌دار تزیین و حجاری شده‌اند. متن کتیبهٔ پیشانی محراب اصلی به خط ثلث برجسته در دو ردیف چنین است:

سطر نخست:

«قال النبی صل الله علیه و آله و سلم. اذا رأیتم الرجل لیتعاهدا المسجد فاشهدوا له بالایمان».

سطر دوم:

«فان الله تبارک و تعالی یقول انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر صدق رسوله الکریم».

حد فاصل کتیبهٔ پیشانی و قوس محراب که به صورت جناغی ساخته شده است با دو ردیف قطاربندهٔ حجاری‌شدهٔ زیبا مزین شده است. بخش فوقانی محراب با بخش‌های متعدد گچبری رنگی تزیین شده است. این تزیینات دربرگیرندهٔ یک کتیبهٔ سرتاسری با ۱۴ لوح ترنجی

بزرگ ساخته می‌شدند و از آنجائی که ریزه‌کاری بر روی آنها نمود چندانی نداشت، بن‌مایه‌ها برهشته ساخته می‌شد تا هم برای بینندگان قابل رؤیت باشد و هم با فضای بزرگ اطراف همخوانی پیدا کند (سجادی، ۱۳۷۵: ۶۵). لذا احتمالاً در زمان ساخت این محراب، در این مکان، شبستانی عظیم و باشکوه قرار داشته که محرابی بدین هیئت برای آن در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر محراب‌های الجایتو، هفتشویه، پیربکران، و اشترجان که همگی به دورهٔ ایلخانی تعلق دارند، از نظر مصالح، نقوش و شیوهٔ تزیینی، شباهت بسیاری به این محراب دارند (رازانی، ۱۳۸۶: ۵۱) از این رو می‌توان گفت این محراب به احتمال نزدیک به یقین متعلق به دورهٔ ایلخانی است.



تصویر ۸. محراب گچبری‌شدهٔ راهروی شرقی مسجد جامع عتیق اصفهان (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۹. جزئیات گچبری محراب راهروی شرقی مسجد جامع عتیق اصفهان (مأخذ: نگارنده).

و قوس جناغی تحتانی آن است. بیش‌تر کتیبه‌های ثلث گچبری‌شده در این ۱۴ لوح تخریب شده و فقط از آن میان ۴ لوح سالم و ۲ لوح نیمه‌سالم برجا مانده اند. متن کتیبه الواح برجامانده سلام و درود بر پیامبر اکرم (ص) و نخستین امام شیعیان و امام پنجم تا امام هشتم شیعیان است.

در بخش قوس جناغی مرکزی نیز که در چندین ردیف تنظیم شده است کتیبه‌هایی با این متن آمده است: «لااله الا الله»، «محمد رسول الله»، «علی ولی الله حقاً» و در قاب مستطیل زیرین آمده است: «یجاهدون فی سبیل الله و لا یخافون لومه لائم ذلک فضل الله یوتیه من یشاء الله واسع علیم صدق الله العظیم» سپس نام خطاط و سال ایجاد اثر: «کتبه نظام اصفهانی، فی شهر سنه ۹۹۲» که مقارن با سلطنت سلطان محمد خدابنده (۹۹۶-۹۸۵ق) است، آورده شده است (قدسی، ۱۳۷۸: ۱۲۶).



تصویر ۱۱. محراب سنگی ایوان شاگرد (مأخذ: نگارنده).

ج. محراب راهرو شمالی ایوان شاگرد

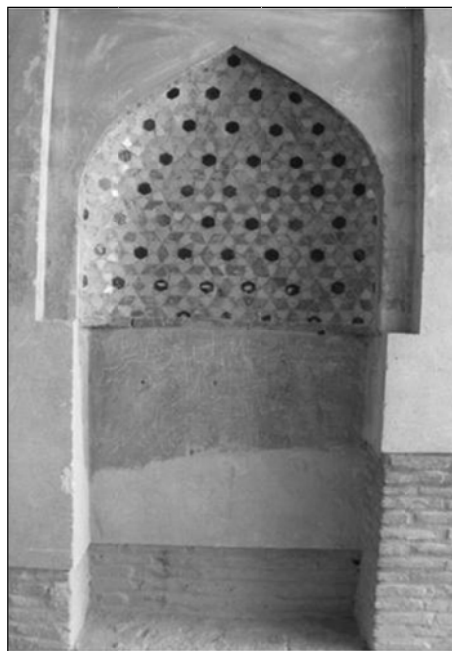
ایوان شرقی که به ایوان شاگرد مشهور است، پس از

ساخت برای مدت نسبتاً طولانی منفرد باقی بوده و جبهه شمالی و جنوبی آن آزاد بوده است و بعداً راهروهای شمالی و جنوبی با سقف‌های مقرنس‌کاری‌شده در طرفین ایوان به وجود آمده است. ایوان از طریق دو دهانه که در دیوارهای شمالی و جنوبی احداث شده به راهروهای جانبی راه داشته است، اما بعدها در هر سمت دهانه‌های نزدیک به صحن مسدود شده است.

بر دیوار راهروی مسقف شمالی ایوان شرقی که مسیر دسترسی به صفة عمر است در پشت دومین جرز از سوی صحن، محرابی کوچک وجود دارد (تصویر ۱۲). این محراب ساده است و فقط یک طاق دارد. بخش فوقانی داخل قوس طاق محراب با قطعات ساده کاشی معرق شش‌پری کند به رنگ لاجوردی و فیروزه‌ای تزیین شده است. این محراب فاقد کتیبه و تاریخ است لذا تاریخ‌گذاری آن باید بر اساس شواهد معماری و پیگردی‌ها صورت پذیرد. زیرا پذیرش ایجاد محراب در راهرویی فرعی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر با توجه به اینکه بیش‌تر محراب‌ها در زمان احداث، در داخل دیوار محل خود کنده می‌شوند و این محراب الحاقی به نظر می‌رسد، احتمال قرار داشتن آن در بخشی دیگر از مسجد محتمل به نظر می‌رسد. شاید این محراب، محراب شبستان تیموری در گوشه جنوب غرب مسجد باشد که بعدها به شبستان صفوی تغییر یافته است. پیش از این گالدیری دو محراب دیگر در ضلع جنوبی را چنین پنداشته بود.

در مجموع محراب مزبور احتمالاً متعلق به فضای دیگری بوده و سپس به این مکان انتقال داده شده است که متأسفانه در این باب، منابع سکوت کرده اند. در هر صورت بر اساس شباهت تزیینات کاشیکاری و شیوه کار، همچنین ابعاد و اندازه این محراب، می‌توان آن را با رعایت احتیاط به دوره تیموری تا صفوی منتسب کرد.

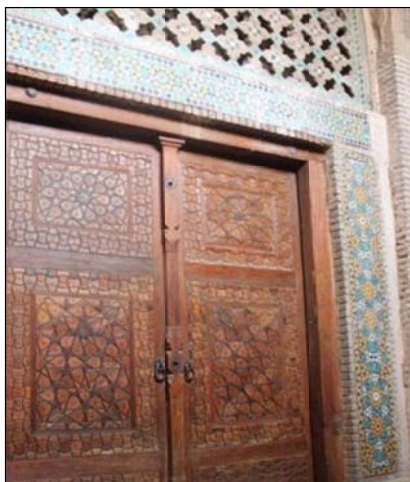
است (تصویر ۱۴). این سردر دارای در نفیسِ منبت‌کاری و گره‌چینی‌شده متعلق به دوره صفوی^۶ است که اطراف آن با کاشیکاری معقلی طرح شمسه و پیشانی مشبک آراسته شده است. با در نظر گرفتن اینکه این بخش مسجد در مجموع به دوره تیموری تعلق دارد و در دوره صفوی تغییراتی در آن داده شده است، و همچنین از نوع مقرنس بخش داخلی قوس محراب، می‌توان این محراب را به دوره تیموری تا صفوی منتسب کرد. مجدداً یادآوری می‌شود که تعیین تاریخ دقیق این محراب نیازمند پژوهش بیش‌تر است.



تصویر ۱۲. محراب راهروی شمالی ایوان شرقی (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۳. محراب شبستان شمالی ایوان شرقی (مأخذ: نگارنده).



تصویر ۱۴. سردر جنوب غربی با دری منبت‌کاری‌شده (مأخذ: نگارنده).

د. محراب شبستان شرقی

بر دیواره جنوبی شبستان شرقی مسجد جامع که به سوی صحن مدرسه مظفری گشوده می‌شود، محرابی قرار دارد (تصویر ۱۳). نوار کتیبه دورتادور محراب و لچکی‌های قوس محراب همگی تا ازاره‌های سنگی با تزیینات کاشی معرق با نقش شمسه و با ترکیب‌های مختلف به رنگ‌های سفید، زرد، فیروزه‌ای، و سیاه مزین شده است. الحاقی بودن این محراب بر دیواره جنوبی و انتقال آن از بخش دیگر مسجد بدین مکان محتمل است. محراب فاقد هرگونه کتیبه یا تاریخ است و حتی در میان انبوه متونی که به توصیف بخش‌های مختلف مسجد پرداخته اند، تقریباً هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. لذا تعیین تاریخ دقیق آن کاری است دشوار. تنها نکته‌ای که می‌تواند در تاریخ‌گذاری نسبی این محراب راهگشا باشد، شباهت بسیار کاشیکاری‌های این محراب از نظر نقش، طرح، و رنگ‌بندی با کاشیکاری‌های یکی از سردرهای ورودی مسجد است که در بخش جنوب غربی مسجد قرار گرفته

پشت ایوان شرقی مسجد جامع عتیق، مدرسه و صفة عمر^۷ قرار گرفته است که توسط شاه محمود مظفری^۸ به عنوان مدرسه علوم دینی بنا شده است. مدرسه متشکل از حیاط مرکزی با حجره‌هایی در دو طرف شرقی و غربی و دوطبقه بوده است و جبهه جنوبی صحن را صفة عمر با کارکرد مدرّس و عبادتگاه تشکیل می‌داده است (Babaie and

Haug, 2007: 33-20)

بر دیواره جنوبی این صفة، محراب کاشیکاری شده‌ای قرار دارد که بر اساس کتیبه آن، هم‌عصر با ساخت مدرسه و متعلق به دوره مظفری است (لاله، ۱۳۷۹: ۲۰۹) (تصویر ۱۵). بخش فوقانی محراب تزیینات مقرنس‌کاری ظریفی دارد. کتیبه اطراف این محراب که به خط ثلث و توسط «علی کوهیار الابرقوهی» نوشته شده در متن لاجوردی کاشی‌ها، زیبایی بصری دلنشینی ایجاد کرده است. متن این کتیبه دربرگیرنده آیات ۱۸ و ۱۹ سوره توبه است:

قال الله تعالى في كتابه الكريم و كلامه القديم و هو اصدق القايلين و اكرم الاكرمين انما يعمر مساجد الله من آمن بالله و اليوم الاخر و اقام الصلوه و آتى الزكوه و لم يخش الا الله فغسى اولئك ان يكونوا من المهتدين. أجعلتم سقاية الحاج و عماره المسجد الحرام كمن آمن بالله و اليوم الآخر وجاهد في سبيل الله لا يستون عند الله و الله لا يهدي القوم الظالمين صدق الله العظيم و قال رسول الله صلى الله عليه و سلم من بنى الله مسجداً بنى الله له بيتاً في الجنة و قال عليه من الصلوات افضلها و من التحيات كلها احب البلاد الى الله مساجدها و ابغض البلاد الى الله اسواقها ختم الله تحريراً في سنة ثمان و سبعين و سبعمائمه كتبه على كوهيار الابرقوهي.

بدین ترتیب تاریخ ساخت محراب بر اساس کتیبه آن سال ۷۷۸ق است.

کتیبه پیشانی محراب دو سطر است. متن نخستین سطر که با کاشی معرق سفیدرنگ بر زمینه لاجوردی نقش بسته

«قال الله تبارك و تعالى واذ يرفع ابراهيم القواعد من البيت و اسماعيل ربنا تقبل منا انك انت السميع العليم» و دومین سطر، کتیبه‌ای آجری‌رنگ به خط کوفی که بر زمینه لاجوردی کاشی معرق نقش شده متن آن آیه ۱۲۸ سوره بقره است: «ربنا و اجعلنا مسلمین لك و من ذریتنا امه مسلمه لك و ارنا مناسکنا و تب علینا».

بر هلال محراب نیز به خط کوفی عباراتی همچون: «الملك لله، الحمد لله، یا مجیب الدعوات» آمده است (نصرتی، ۱۳۸۰: ۳۵). بر فراز محراب و در میان مقرنس‌های طاق، قاب‌هایی لوزی‌شکل قرار گرفته که درون آنها با خطوط بنایی عباراتی همچون:

«سبحان ربی الاعلی و بحمده، سبحان الواحد الصمد، سبحان الدائم الابد، سبحان الودود المجید، سبحان الغنی الحمید، قال النبی صلی الله علیه و سلم، لا صلوه لمن لم یقرء بالکتاب، سبحان القائم الدائم، سبحان الدائم القائم، قال الله النبی علیه السلام، المصلی یناجی ربه» آمده است و بالاخره در دو قاب کاشی لاجوردی در بالای محراب نام استادان کاشیکار محراب نگاشته شده است: «عمل العبد الضعیف شمس بن تاج» و «فخر بن عبدالوهاب شیرازی البناء».

قدسی، کتیبه ثلث این محراب را یکی از چندین کتیبه نخست به خط ثلث در اصفهان می‌داند (قدسی، ۱۳۷۸: ۲۷). با این وصف این کتیبه‌ها از پختگی کافی برخوردار اند و در متن کاشیکاری لاجوردی اطراف به زیبایی خودنمایی می‌کنند.

محراب‌های جبهه غربی

الف . محراب الجایتو

در شبستان جبهه غربی صحن مسجد و روی دیوار آجری شمالی ایوان غربی مسجد، یکی از مشهورترین و زیباترین

محراب‌های جهان اسلام موسوم به «محراب الجایتو» دیده می‌شود (Babaie and Haug, 2007:33-20) (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۵. محراب صفه عمر. مسجد جامع اصفهان (مأخذ: نگارنده).

بر اساس پیگردی‌های گالدیری شبستانی که محراب در آن قرار دارد در ابتدا قسمتی از محوطه شبستان جبهه غربی مسجد بوده که در زمانی پس از ایجاد محراب، ستون‌ها و طاق و چشمه‌های آن تخریب و شبستان امروزی با چندین دهانه طاق و چشمه آجری جای آن را گرفته است (گالدیری، ۱۳۷۰: ۵۰-۴۸).

این محراب نفیس بر اساس کتیبه آن، متعلق به زمان سلطنت سلطان محمد خدابنده موسوم به الجایتو است و با دستور وزیر وی سعدالدین محمد ساوی در تاریخ ۷۱۰ق آمده است.^۹ محراب دارای چهار کتیبه اصلی است که یکی تاریخی در معرفی سلطان محمد، وزیر او سعدالدین محمد ساوجی (وزارت از ۷۰۳ تا ۷۱۶ق) و حمایت در ایجاد محراب و معرفی سازندگان محراب نگاشته شده و سه محراب دیگر در برگرفته آیات و احادیث است (نیکزاد، ۱۳۳۵: ۲۸).

متن کتیبه تاریخی این محراب که در بخش میانی قوس جناغی آن به خط ثلث و به زیبایی هرچه تمام‌تر گچبری شده چنین است:

سلطان محمد هذا المحراب المستطاب من مضافات العمارات التي اعادتها في ايام معدله السلطان حامى حوزة الاسلام و الايمان غياث الدنيا و الدين ظل الله في الارضين حرس الله ببقائه الاسلام من فواضل صدقات العميمه صاحبيه الاعظميه صاحب ديوان الممالك شرقاً و غرباً بعداً و قرباً سعدالحق و الدين المخصوص بعنايه رب العالمين محمد الساوى اعز الله انصاره و ضاعف اقتداره تولاه العبد الضعيف الراجى الى رحمة الله تعالى و غفرانه عضد بن على الماسترى احسن الله عاقبته فى صفر سنه عشر و سبعمئه ختم الله^۱ تبارك و تعالى بالخير و الظفر.

در حاشیه اطراف این کتیبه به خط ثلث، سؤال جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم(ص) در مورد «اولوالامر» ذکر شده:

عن جابر بن زيد الجعفي قال سمعت جابر بن عبدالله انصاري يقول لما انزل الله على نبيه صلى الله عليه و آله يا ايها الذين آمنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم قلت يا رسول الله قد عرفنا الله و رسوله فمن اولو الامر الذين قرن الله طاعتهم بطاعته و طاعه رسوله فقال عليه السلم.

در پایان این بخش از کتیبه، نام استاد هنرمند گچبر و سازنده این محراب چنین یاد شده است: «عمل حيدر» و در ادامه این قسمت از کتیبه و در حاشیه فرورفتگی محراب در دو طرف پاسخ مشروح پیامبر اکرم(ص) چنین آمده است:

هم خلفائى يا جابر و ائمه المسلمين بعدى اولهم على بن ابي طالب ثم الحسن ثم الحسين ثم على بن الحسين ثم محمد بن على المعروف فى التوريه بالباقر و سندرکه يا جابر فاذا لقيته فاقره منى السلم ثم الصادق جعفر بن محمد ثم موسى بن جعفر ثم على بن موسى ثم محمد بن على ثم على بن محمد ثم الحسن بن على ثم سمى و كنى حجه الله فى ارضه و بقيته فى عباده بن الحسن بن على ذاك الذى يفتح الله تعالى ذكره على يده مشارق الارض و مغاربها.

ذکر ویژگی‌های گچبری و کتیبه‌های آن اشاره کرده است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۳).

محراب الجایتو از معدود آثار نفیسی است که با وجود تلاش برخی از سوداگران اموال تاریخی برای ربودن و خارج کردن آن از کشور در سال ۱۳۳۵، هنوز در مکان اصلی خود قرار دارد و همچنان در زمره آثار نفیس و ارزشمند هنر گچبری جهان به حساب می‌آید. در پی مرمت این محراب در دهه گذشته اندوهای رنگی بر روی بخش‌هایی از این محراب تشخیص داده شد. رنگ‌آمیزی محراب‌های گچی و گچبری یکی از شیوه‌های تزئین محراب‌ها بود که حتی در سده‌های قبل از این دوره و در دوره سلجوقی مورد استفاده قرار می‌گرفت^{۱۱} مهم‌ترین رنگ‌های به‌کاررفته روی سطح این محراب سنگرف و لاجورد بوده است.



تصویر ۱۶. محراب الجایتو واقع در شبستان غربی مسجد جامع اصفهان (مأخذ: نگارنده).

و سپس به خط کوفی مشبک در بالای فرورفتگی محراب نوشته شده است: «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» و در حاشیه بزرگ لبه این محراب، این کتیبه با خط ثلث گچبری شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم قال الصادق المصدق رسول الرحمن صلی الله علیه و آله من بنی مسجداً کمفحص قطاه بنی الله له بیتا فی الجنة و قال امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه سلام الله و رسوله و ملائکته من اختلف الی المسجد اصاب احدی الثمان اخاً مستفاداً فی الله او علماً مستظرفاً او آیتة محکمه او رحمه منتظره او کلمه رده عن ردى او یسمع کلمه تدل علی هدی او یتربک ذنباً خشیه اوحیاء (هنزفر، ۱۳۵۰: ۱۲۰-۱۱۵؛ رفیعی مهرآبادی: ۱۳۵۲: ۵۱۸).

محراب دارای دو طاق نما است که یکی بر بالای دیگری قرار گرفته و پایه هر یک از این طاق‌نماها به ستون‌هایی منتهی می‌شود. ویژگی یادشده بیشتر در مورد محراب‌های بزرگ که در شبستان‌های بااهمیت و عظیم قرار گرفته اند، مصداق می‌یابد (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۷).

دیولافوا از نخستین کسانی است که همراه گزارش خود از این اثر، تصویر نقاشی آن را نیز ارائه داده است. تصویر ارائه‌شده توسط وی حاکی از صدماتی است که بر بخش‌های زیرین محراب وارد شده است تا جایی که گچبری‌های این بخش فروریخته و آجرهای بستر و زیرین محراب نمایان شده است (دیولافوا، ۱۳۶۱: ۳۰۱). به نظر می‌رسد پس از سال ۱۳۱۰ش و ثبت مسجد جامع در فهرست آثار ملی ایران، این محراب از معدود بخش‌هایی بوده است که تعمیرات نسبتاً اساسی در آن صورت پذیرفته است، چرا که مویت هاکس پس از بازدید از مسجد و محراب در سال ۱۳۱۱ش از آن به عنوان تنها نقطه تعمیرشده در «این خرابه در حال ریزش» (منظور مسجد جامع) یاد کرده است (هاکس، ۱۳۷۰: ۵۳). دونالد ویلبر در سال ۱۳۲۰ش از این اثر بازدید کرده و در اثر خود، فقط به

ب. محراب ایوان غربی (استاد)

بر دیواره جنوبی ایوان غربی مسجد که به ایوان استاد شهرت دارد، محراب کاشیکاری شده نفیسی قرار گرفته است (تصویر ۱۷). این محراب از ترکیب کاشی معرق و کاشی هفت‌رنگ ساخته شده است. متن کتیبه حاشیه محراب که به خط ثلث سفیدرنگ بر زمینه لاجوردی و به شیوه معرق اجرا شده است، آیات ۱۰۹ و ۱۱۰ سوره کهف و بخشی از آیه ۳۹ آل عمران است که مرتبط با محراب است:

قال الله تبارک و تعالی قل لو کان البحر مداداً لکلمات ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مداداً قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهمکم اله واحد فمن کان یرجو لقاء ربه فلیعمل عملاً صالحاً و لا یشرک بعباده ربه احداً و قال الله تعالی فنادته الملكة و هو قائم یصلی فی المحراب صدق الله العلی العظیم.

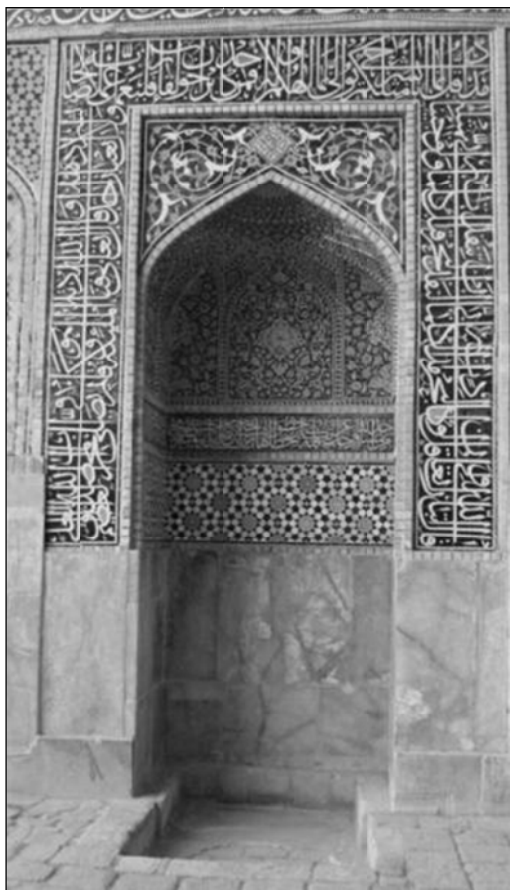
این کتیبه با هماهنگی بی‌نظیر به گونه‌ای نگاشته شده که در دو بخش عمودی کتیبه محراب، حرف «ی» [یای مرجوعه] در انتهای چند کلمه، پشت سرهم و پیوسته آمده است. بدین ترتیب این حروف، خطی عمودی را ایجاد کرده اند که از دور خطی سرتاسری برای مجزا کردن دو سطر کتیبه به نظر می‌رسد. در صورتی که خطاط با این نوآوری هم به هدف یادشده رسیده و هم بر زیبایی بصری کتیبه افزوده است. خطاط محراب در کتیبه دیگر با نام «محمد زمان بن عبدالباقی الاصفهانی» آمده است.

پشت بغل‌های قوس داخلی با نقوش اسلیمی دهن‌اژدری و خرطوم‌فیلی در قالب کاشی‌های معرق تزیین شده است و در میانه آن در لوحی لوزی‌شکل به خط بنایی عبارات «لااله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله حقاً» به رنگ سفید بر زمینه لاجوردی نوشته شده است. همچنین قوس جناغی داخلی محراب با کاشی خشتی هفت‌رنگ دارای تزیینات شمشه، اسلیمی، و ختایی است.

در داخل محراب نیز کتیبه دیگری به خط ثلث به رنگ سفید بر کاشی خشتی با زمینه لاجوردی ایجاد شده است که دربرگیرنده حدیثی نبوی است:

قال النبی صلی الله علیه و آله من مشی الی مسجد من مساجد الله عزوجل فله بكل خطوه خطاها حتی یرجع الی منزله عشر حسنات و یمحی عنه عشر سیئات و له رفع عشر درجات، فی سنه ۱۱۱۲، کتبه محمد زمان بن عبدالباقی الاصفهانی.

آخرین بخش تزیینی داخل محراب در محاذات ابتدا و انتهای کتیبه محراب نیز دارای تزیینات کاشیکاری هندسی است. ازاره‌های محراب از سنگ مرمر تراش‌خورده و محل قرارگیری امام جماعت حدود ۱۵ سانتی‌متر از سطح زمین گودتر است.



تصویر ۱۷. محراب کاشیکاری، ایوان استاد (مأخذ: نگارنده).

ج. محراب شبستان زمستانه

یکی از اقدامات ساختمانی دوره مظفری در مسجد، ساخت مسجد مصلی یا فضای بدون سقف جبهه غربی مسجد بوده است که این فضا در دوره صفوی با ایجاد طاق‌های متقاطع تبدیل به شبستان زمستانی شده است. گرچه گذار این بخش را متعلق به دوره تیموری دانسته است (گذار، ۱۳۷۵: ۶۹)، پیگردی‌های هیئت ایزمئو به سرپرستی گالدیری نشان داد که در دوره صفوی (احتمالاً در سال ۹۸۳ق) در این بخش تغییراتی داده شده و نمای کنونی این بخش به دوره صفوی تعلق دارد (گالدیری، ۱۳۷۰: ۵۷). امروزه این مکان با نام دارالثناء شهرت دارد. محراب امروزین این شبستان در دهانه میانی از سه دهانه طولانی ساخته شده در سمت قبله در دوره صفوی قرار دارد و در زیر آن بخش‌هایی از محراب مصلی مظفری نهفته است (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸. محراب صفوی شبستان دارالثناء در غرب مسجد (مأخذ: نگارنده).

محراب صفوی از نظر ارتفاع از محراب پیشین کوتاه‌تر است و با رعایت سادگی، نشان‌دهنده زیبایی متناسب با

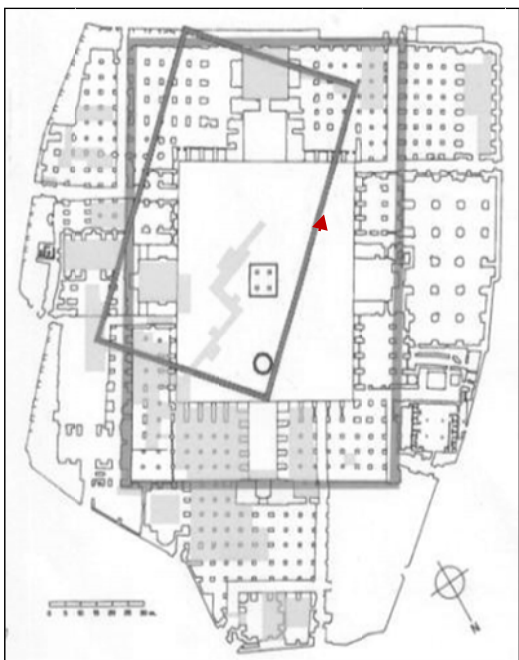
محیط است. این محراب قوس جناغی دارد و تمامی اجزای آن دارای پوششی از گچ و بدون نقش و نگار است. هیچ کتیبه و نقشی در حاشیه کتیبه و لچکی‌های محراب به چشم نمی‌خورد و تزیینات مقرنس نیمه فوقانی داخل قوس محراب تنها تزیینات این محراب را تشکیل می‌دهد. محل ایستادن امام گودتر از سطح زمین‌های اطراف است که به نظر می‌رسد از ویژگی‌های محراب‌های دوره صفوی است. در مجموع به نظر می‌رسد سعی شده است از محرابی در شبستان تغییر داده‌شده در دوره صفوی بهره‌گرفته شود که با رعایت سادگی، جلوه زیبایی داشته باشد، بدون اینکه هزینه گزافی برای حجاری، کاشیکاری، یا گچبری در بر داشته باشد.

محراب‌های نهان مسجد

کهن‌ترین محراب قابل رؤیت در مسجد، احتمالاً محراب گچبری راهروی ورودی شرقی و یا محراب الجایتو است که به دوره ایلخانان و سده هشتم هجری قمری تعلق دارد. لذا این سؤال قابل طرح است که آیا مسجد در سده‌های پیش از این دوره فاقد محراب بوده است؟ در غیر این صورت، این محراب‌ها در کجا قرار داشته‌اند و چه ویژگی‌هایی داشته‌اند؟ و آیا محراب‌های موجود تمامی محراب‌های ساخته‌شده پس از دوره ایلخانی در مسجد هستند؟

در پاسخ این پرسش‌ها باید گفت که مسجد در دوره‌های مختلف، تغییر و تحول یافته و بخش‌هایی در آن به کرات ساخته شده، گسترش یافته، بازسازی یا بهینه‌سازی شده است. برخی از محراب‌ها از میان رفته یا در زیر ساخت و سازهای بعدی پنهان شده یا حتی به بخش‌های دیگر مسجد منتقل شده‌اند. خوشبختانه پیگردی‌های علمی صورت‌گرفته در بخش‌های مختلف مسجد که توسط کارشناسان مؤسسه ایزمئو به سرپرستی

با نقوش هندسی و گیاهی انتزاعی بر روی سطوح محراب را به عنوان کهن‌ترین تزینات محراب محسوب داشت. همچنین بهره‌گیری از آموزه‌های هنری پیش از اسلام و به‌ویژه استفاده از مضامین کهن متناسب با آیین اسلام در هرچه پربارتر کردن تزینات مساجد، نقش عمده‌ای ایفا کرده است.



نقشه ۲. موقعیت مسجد دوره عباسی نسبت به مسجد کنونی و اختلاف درجه آن (مأخذ: 2: Report of ISIAO, 2002).



تصویر ۱۹. نمای کلی دیوار قبله و محراب مسجد دوره عباسی نسبت به فضای گنبدخانه کنونی (مأخذ: 6: Ibid).

گالدری انجام پذیرفته است، می‌تواند به برخی از پرسش‌های مطرح‌شده با استنادات علمی پاسخ دهد. در این بخش به اجمال به ویژگی‌های این محراب‌ها پرداخته می‌شود.

الف. محراب اولیه مسجد در دوره عباسی

بر اساس نقل قول ابونعیم، ساخت بنای مسجد جامع اولیه در میانه سده دوم هجری قمری و همزمان با دوره حکومت منصور عباسی صورت پذیرفته است (ابونعیم، ۱۹۳۴: ۱۶). شواهد و آثار این مسجد در بخش‌های مختلف در کاوش‌های سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ توسط مؤسسه ایزمئو، کشف شده است (نقشه ۳). بخشی از دیوار خشتی ضلع جنوبی و سمت قبله این مسجد در کاوش‌های زیرگنبدخانه خواجه نظام‌الملک در عمق ۴۰ تا ۹۰ سانتی‌متری کف شبستان کنونی و با اختلاف درجه قابل توجه نسبت به قبله حقیقی به دست آمده است. این مسجد مستطیل‌شکل بوده و در مقایسه با محور کنونی مسجد، جهت آن شمال شرقی - جنوب غربی بوده و به صورت مایل قرار داشته است (لاله، ۱۳۷۹: ۲۰۳). در خلال این کشفیات، بخشی از محراب مسجد نخستین به صورت چهارگوش در عمق ۴۰ تا ۴۵ سانتی‌متری سطح امروزی مسجد به دست آمد (Tucci, 1973: 418) (تصویر ۱۹). این محراب دارای تزینات گچبری دربرگیرنده نقوش زنجیره‌ای گیاهی استلیزه، دانه‌تسیحی و مرواریدی پیوسته، خطوط زیگزاگی، و به‌ویژه نقوش برگ تاک و برگ کنگر بوده است که با ظرافت و مهارت هرچه تمام‌تر و با الهام از گچبری دوره ساسانی شکل گرفته است (Scerrato, 1977: 5-6; Saiedi and Genito, 2009: 109) (تصویر ۲۰). اتینگهاوزن معتقد است که این گچبری‌ها را می‌باید از نمونه‌های پیش‌زمینه گچبری سبک (A) سامرا در سده سوم هجری قمری به شمار آورد (Ettinghausen, 1987: 102). بر همین اساس می‌توان استفاده از تزینات گچبری

گرچه گالدیری در مورد مصالح محراب سلجوقی اظهار نظری نکرده است، ولی شواهد حاکی از آن است که حداقل بخش‌هایی از این محراب با آجرکاری مزین بوده و بقایای آن تا ساق گنبد ادامه داشته است که آثار آن امروزه در پس محراب کنونی قابل رؤیت است. محراب دوره سلجوقی از نوع محراب‌هایی است که دو طاق‌نما دارند. محراب‌هایی که دارای دو طاق‌نما بودند معمولاً در فضاهای بزرگ‌تر و مهم‌تر ساخته می‌شدند و محراب‌های اصلی به شمار می‌آمدند. طاق بزرگ‌تر کتیبه‌ای سرتاسری در حاشیه دارد و طاق کوچک‌تر تنها دارای کتیبه پیشانی است اما هر دو طاق بر روی ستون‌های تزئینی فرود آمده اند. این محراب در دوره خود از عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین محراب‌ها به شمار می‌آمده است. احتمالاً زمان ساخت این محراب همزمان با ساخت گنبد در دو دهه آخر سده پنجم هجری قمری بوده است.^{۱۲}

پ. محراب مصلائی مظفری

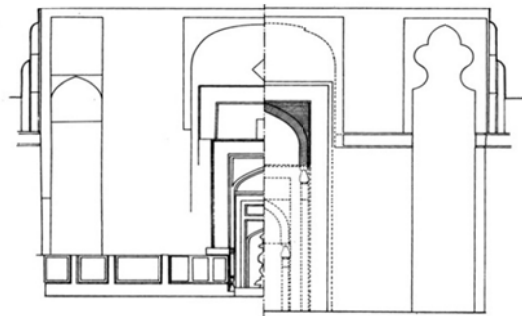
همچنان‌که پیش از این در بخش محراب شبستان دارالاشتهاء توضیح داده شد، در بخش غربی مسجد و در پشت ایوان استاد در دوره مظفری، مصلائی ساخته شده که بخش عمده آن غیر مسقف بوده است. اقدامات پیگردی هیئت ایزمئو به سرپرستی گالدیری نشان داد که این بخش بعدها در دوره صفوی و احتمالاً در واپسین دهه سده دهم هجری قمری تغییر یافته و به شبستان سرپوشیده فعلی تبدیل شده است. در راستای این تغییرات، قسمت‌هایی از محراب مظفری تخریب و بر روی اجزای باقیمانده آن محراب دیگری ساخته شده است. گالدیری بر اساس مشاهدات و مستندات به دست آمده در این بخش، طرح کلی از مصلائی مظفری و محراب آن ارائه می‌دهد (گالدیری، ۱۳۷۰: ۵۷) (ر.ک. تصویر ۱۸ و طرح ۲).



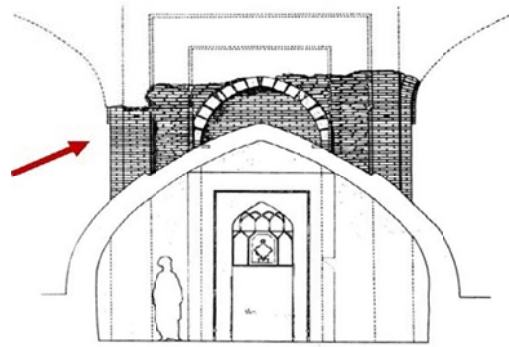
تصویر ۲۰. تزئینات گچبری محراب دوره عباسی (مأخذ: Saiedi and Genito, 2009, fig.2).

ب. محراب سلجوقی گنبدخانه نظام‌الملک

در طی عملیات پیگردی و مرمت که از سوی هیئت ایتالیایی هدایت می‌شد، به هنگام لایه‌برداری از قشر گچی دیوار آجری در زیر گنبد جنوبی، دیوار پیشین که بستری برای محراب کنونی محسوب می‌شد، پدیدار شد (ر.ک. تصویر ۳). بر اساس گزارش گالدیری از این عملیات، در بخش یادشده لایه‌ای از گچ بر روی دیوار آجری دوره سلجوقی کشیده شده است که با برداشت بخشی از آن امکان شناسایی جزییات بیشتر از حواشی محراب سلجوقی امکان‌پذیر شده بود. به نظر وی بر این حاشیه صدماتی وارد شده و سپس این حاشیه تعمیر و با گچ پوشانده شده است. گالدیری برپایه شواهد به دست آمده طرحی از محراب دوره سلجوقی این گنبدخانه ارائه کرده است (گالدیری، ۱۳۷۰: ۲۱-۲۰) (طرح ۱).



طرح ۱. نمای محراب کنونی (سمت چپ) و نمای محراب دوره سلجوقی (سمت راست) در گنبدخانه نظام‌الملک (مأخذ: گالدیری، ۱۳۷۰: ۱۳۹).



طرح ۲. محراب مصلائی مظفری (بخش فوقانی) و موقعیت آن نسبت به محراب کنونی (بخش زیرین) شبستان زمستانی (مأخذ: گالدیری، ۱۳۷۰: ۱۴۶).

جامع اصفهان را می‌باید از کهن‌ترین نمونه‌ها در نوع خود نه فقط در ایران بلکه در جهان اسلام دانست. استفاده از مضامین و سبک گچبری دوره ساسانی در این بخش، نشان از تأثیرات هنر پیش از اسلام در هنر اسلامی است.

بیش از نیمی از محراب‌ها دارای رقم و تاریخ اند یا با داشتن کتیبه‌های مشخص (از نظر نوع خط یا مضمون) قابل تاریخ‌گذاری هستند، و بقیه بر اساس شواهد و مدارک یا مقایسه با موارد مشابه، قابل تاریخ‌گذاری نسبی هستند. حداقل نیمی از محراب‌ها متعلق به دوره صفوی است که با تزیینات گچبری، حجاری، و کاشیکاری آراسته و مزین شده است و نشانه‌ای از تنوع هنرهای وابسته به معماری در این دوره است. ابعاد و اندازه محراب‌ها و نوع تزیین‌شان تا حد زیادی با مکان قرارگیری و فضای پیرامون آنها ارتباط مستقیم دارد. در فضاهای بزرگ‌تر، محراب‌ها مرتفع‌تر، مجلل‌تر، و معمولاً دارای دو طاق‌نما هستند. در حالی که محراب‌های کوچک‌تر عموماً یک طاق‌نما دارند و بیش‌تر در فضاهای کوچک و یا فرعی‌تر استقرار یافته‌اند و معمولاً فاقد کتیبه هستند. البته در دوره صفوی، محراب‌های فرعی بیش از محراب‌های اصلی، کتیبه‌هایی ساده به خط بنایی در تأکید بر عقاید شیعی بر خود دارند.

از دوره ایلخانی به بعد رایج‌ترین خط برای تزیین محراب‌ها، خط ثلث است. حتی در دوره صفوی با گسترش خط نستعلیق، برای تزیین محراب‌ها همچنان خط ثلث بیش‌تر استفاده می‌شد. گرچه خطوط دیگر همچون خط کوفی (بیش‌تر در کتیبه‌های پیشانی یا کتیبه کوچک سرستون‌ها)، خط بنایی (در قاب‌های مربع) و خط محقق نیز در کنار خط ثلث به کار گرفته می‌شد.

به علت تغییرات و گسترش‌های مداوم در مسجد جامع، تعدادی از محراب‌ها کارکرد خود را از دست داده (مانند محراب راهروی ورودی شرقی) یا احتمالاً از مکان اصلی خود منتقل شده‌اند (همچون محراب راهروی

به علت موقعیت محراب صفوی، همچنین تخریب بخش‌هایی از محراب پیشین، امکان شناخت ویژگی‌های کامل محراب مصلائی مظفری امکان‌پذیر نیست. آنچه مسلم است آنکه بدنه اصلی محراب از آجر ساخته شده بوده است. این محراب دارای دو طاق‌نما بوده است. قوس فوقانی محراب ملایم و تقریباً هلالی‌شکل بوده و بر فراز محراب کنونی شبستان قرار داشته است. داخل این قوس یک درگاه عمیق و فرورفته وجود داشته که دارای عمقی در حدود ۵۰ سانتی‌متر بوده است. کتیبه‌ای سراسری بر گرداگرد بخش مرکزی می‌چرخیده که سطح آن نسبت به لبه کمی عقب‌تر بوده است و در کنار حاشیه، ازاره‌های آجری وجود داشته است. احتمالاً بر اساس سنت رایج، این حاشیه برای ساخت یک کتیبه با تزیینات کاشیکاری ایجاد شده بوده است که بقایای آن به دست نیامده است (همان: ۵۸).

نتیجه‌گیری

در مجموع ۱۷ محراب در لایه‌های آشکار و نهان مسجد جامع عتیق وجود دارد که از این میان ۱۴ محراب قابل رؤیت و ۳ محراب در لایه‌های نهان سازه‌های معماری نهفته است. بی شک محراب گچبری سده دوم مسجد

اسلامی، تزیینات وابسته بدان، و سیر تحول سبک‌های معماری اسلامی می‌کند.

پانوشت‌ها

1. Ettinghausen.R.

2. Grabar.O.

3. IsMEO

4. Galdieri, E

۵. برهشته به معنای بیرون‌آمده است و به نوعی از گچبری گفته می‌شود که برجستگی آن نسبت به زمینه زیاد است به طوری که قسمت‌های گچبری‌شده برآمده و بیرون زده است. اگر چه سابقه تاریخی گچبری برهشته به پیش از اسلام (همچون گچبری‌های کاخ بیشاپور در دوره ساسانی) می‌رسد، اما نمونه‌های آن را می‌توان در شیوه رازی و آذری دید؛ همانند گچبری‌های بنای دوازده امام یزد (سده چهارم و پنجم هجری) یا محراب‌های قرن هشتم مثل محراب الجایتو مسجد جامع اصفهان و محراب مسجد گلپایگان که دارای گچبری‌های نفیسی هستند.

۶. واقف و سازنده این در چوبی نفیس بر اساس کتیبه ثلث حک شده بر آن، محمود بن صدرالدین نجار نطنزی و تاریخ ساخت آن شعبان المعظم سال ۹۶۲ق مقارن حکومت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴ق) است (قدسی، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

۷. وجه تسمیه آن به عمر، مبتنی بر روایتی است که مدرس اینجا عمر بن عبدالعزیز عجلی از آل ابی‌دلف بوده است.

۸. قطب‌الدین شاه محمود مظفیری طی سال‌های ۷۵۹ تا ۷۷۶ق بر اصفهان حکم می‌رانده است.

۹. این محراب در فواصل سال‌های ۷۰۹ ق که الجایتو پس از زیارت نجف به مذهب تشیع ایمان آورد و پیش از دستگیری و اعدام وزیر وی سعدالدین ساوجی در ۷۱۱ ق ساخته شد (بویل، ۱۳۸۰: ۳۷۶-۳۷۷).

۱۰. هنرفر و رفیعی مهرآبادی این بخش از کتیبه را «ختم الله» خوانده اند (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲: ۵۱۶؛ هنرفر: ۱۳۵۰: ۱۱۶)، در حالی که آندره گدار آن را «ختمه الله» قرائت کرده است (گدار، ۱۳۷۵: ۶۱).

۱۱. در باره رنگ‌آمیزی محراب‌های گچی در دوره سلجوقی ناصر خسرو اشاره جالب توجهی در سفرنامه خود دارد و به رنگ‌آمیزی محراب مسجدی در فلج عربستان اشاره می‌کند که وی با رنگ‌های شنگرف و لاجورد نقوش گیاهی و کتیبه‌ای بر محراب کشیده و در ازای آن ۱۰۰ من خرما مزد گرفته که بسیار ارزشمند بوده است و این نشان از اهمیت تزیین محراب مساجد در آن دوره دارد (ناصرخسرو،

شمالی ایوان شرقی). اما در هر صورت به سبب قرار داشتن محراب‌ها در فضاهای سرپوشیده، بیش‌تر آنها در وضعیت فیزیکی نسبتاً مطلوبی به سر می‌برند.

متداول‌ترین محراب در مسجد جامع عتیق اصفهان، محراب‌های گچبری هستند که انواع آن از ساده تا پرتزین با گستره زمانی قابل توجه از سده دوم هجری قمری تا حداقل دوره صفوی در مسجد به چشم می‌خورد. رواج ساخت محراب‌های گچی و گچبری شده به معنای استفاده از یک شیوه واحد در طول این گستره زمانی نیست. چرا که شیوه گچبری محراب دوره عباسی با گچبری محراب الجایتو در دوره ایلخانی و گچبری محراب ایوان شرقی و یا شبستان صفوی دارالشتاء، نشان از وجود سبک‌های مختلف گچبری در تزیین محراب در دوره‌های مختلف دارد. در این راستا حداقل سه سبک را می‌توان تشخیص داد. سبک گچبری سده‌های اولیه با تأثیر از گچبری ساسانی و استفاده از بن‌مایه‌های گیاهی استلیزه همچون برگ تاک یا برگ کنگر همراه نقوش هندسی به صورت تخت. سبک دوره دوم که اوج آن همزمان با دوره ایلخانی است. استفاده از گچبری برهشته با نقوش کتیبه‌ای غنی، استفاده فراوان از خط ثلث بر بستری پوشیده از نقوش اسلیمی، اندازه و ابعاد قابل توجه، و تزیینات باشکوه از ویژگی‌های این سبک گچبری است. سبک دوره سوم که اوج آن مقارن با دوره صفوی است. کتیبه‌های نیم‌برجسته، استفاده از خط نستعلیق در کنار خط ثلث، و تلفیق بخش‌های گچبری محراب با دیگر عناصر همچون سنگ یا کاشی برای تزیین سمت و سوی قبله از مشخصه‌های این سبک است.

بی شک پژوهش بر روی محراب‌های مسجد جامع عتیق اصفهان با گستره زمانی طولانی (از دوره عباسی تا سده‌های اخیر)، تنوع سبک‌ها و شیوه‌ها و مضامین و اشکال تزیینی، کمک شایانی به مطالعات حوزه معماری

۱۲. در نخستین دوره از تحولات گسترده دوره سلجوقی در این مسجد که همزمان با حکومت ملکشاه سلجوقی صورت پذیرفت، به دستور وزیر وی خواجه نظام‌الملک، مقصوده عظیمی برپا شد (هنر، ۱۳۵۰: ۷۶). تاریخ ساخت این گنبدخانه را شیدا بلر از طریق تطبیق کتیبه گنبد با یازده سند همزمان تاریخدار از جمادی الثانی ۴۷۹ ق تا ذیحجه ۴۸۰ ق تعیین کرده است (Blair, 1992: 163-160).

منابع

- قرآن کریم.
- ابونعیم اصفهانی، احمد. ۱۹۳۴م. ذکر اخبار الاصبهان، لیدن.
- اتینگهان، ریچارد. گرابار، الگ. ۱۳۷۸، هنر و معماری اسلامی (۱)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، سمت.
- بویل، ج. آ. ۱۳۸۰، تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان، تاریخ ایران کمبریج (از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان)، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر: ۳۹۶-۲۸۹.
- تفضلی، عباسعلی. ۱۳۷۶، قبله نماي مسجد، محراب، مطالعات اسلامی، شماره ۳۶-۳۵: ۱۴۴-۱۲۹.
- حاتم، غلامعلی. ۱۳۷۹، معماری ایران در دوره سلجوقیان، تهران، نشر جهاد دانشگاهی.
- دیولافوا، ژان. ۱۳۶۱، سفرنامه دیولافوا در زمان قاجاریه، ترجمه فروهوشی، تهران، کتابفروشی خیام.
- رازانی، مهدی. ۱۳۸۶، معرفی محراب مسجد جامع هفتشویه (از شاهکارهای دوره ایلخانی)، فرهنگ اصفهان، ش. ۳۵-۵۰: ۵۰.
- ربیعی مهرآبادی، ابوالقاسم. ۱۳۵۲، آثار ملی اصفهان، تهران، نشر آثار ملی.
- سجادی، علی. ۱۳۷۵، سیر تحول محراب در معماری اسلامی ایران از آغاز تا حمله مغول، تهران، میراث فرهنگی.
- سیف. ۱۳۶۲، محراب جلوه‌گاه اصیل هنر تزئینی اسلامی، فصلنامه هنر، شماره ۳: ۱۶۳-۱۵۲.
- شرودر، اریک. ۱۳۸۷، آثار یادمانی برج‌مانده از دوره نخست، سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ویراستار: آرتور پوپ و فیلیس اکرم، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران، نشر علمی و فرهنگی: ۱۱۷۹-۱۱۴۵.
- طاووسی، محمود. آزادی، فریبا. ۱۳۸۵، کیمیای آجر و نقش در گنبد خاکی مسجد جامع اصفهان، مدرس هنر، دوره ۱، شماره ۱: ۴۴-۲۹.
- قدسی، منوچهر. ۱۳۷۸، خوشنویسی در کتیبه‌های اصفهان، اصفهان، نشر گلها.
- گالدیری، اوژن. ۱۳۷۰، مسجد جامع اصفهان، ترجمه عبدالله جبل‌عاملی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- گدار، آندره، و همکاران، ۱۳۷۵، آثار ایران، ج ۴، ترجمه ابوالحسن سروقد قدم، مشهد، آستان قدس.
- لاله، هایده. ۱۳۷۹، مسجد جامع اصفهان، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج. ۹، تهران، نشر دایره المعارف بزرگ اسلامی. ۲۰۱-۲۱۲.
- لاله، هایده. ۱۳۸۰، مسجد جامع اصفهان، نگین معماری اسلامی در ایران، گلستان قرآن، شماره ۷۲: ۲۶-۲۱.
- ماهر نقش، محمود. عدل، کامران. ۱۳۶۲-۱۳۶۱، طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران دوره اسلامی، ۵ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل موزه‌ها، موزه رضا عباسی.
- ناصر خسرو قبادیانی. ۱۳۷۳، سفرنامه ناصر خسرو، تهران، علمی و فرهنگی.
- نصرتی، مسعود. ۱۳۸۰، کتیبه‌های قرآنی مسجد جامع اصفهان، علوم قرآن و حدیث، شماره ۹۹: ۳۵-۲۷.
- نیکزاد، کریم. ۱۳۳۵، محراب گجبری مسجد جامع اصفهان، فرهنگ اصفهان، شماره ۱۰: ۲۸-۲۷.
- ویلبر، دونالد نیوتن. ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- هاکس، مویت. ۱۳۷۰، ایران افسانه و واقعیت، ترجمه محمد حسین نظری نژاد و دیگران، مشهد، نشر آستان قدس رضوی.
- هنر، لطف الله. ۱۳۵۰، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، تهران، چاپخانه زیبا.
- Babaie, Sussan., and Haug, Robert . 2007, *Isfahan x. Monuments (3) Mosques*, Encyclopædia Iranica ed. by Ehsan Yarshater, Vol. XIV, Fasc. 1, . London, Routledge & Kegan Paul, pp. 20-33.
- Blair, Shila. 1992, *The Monumental Inscriptions from Early Islamic Iran and Transoxiana*, Leiden.
- Ettinghausen, R., Grabar, O., 1987, *The Art and Architecture of Islam*, Samersset, London.
- Genito, B., Saiedi, F.A. et alii, 2009, *From the Excavation to the Archive ADAMJI (Archaeological D.igital A.rchive M.asjed-e J.om'e, Isfahan), A Joint Iranian/Italian Project*, C.I.S.A. (Centro Interdipartimentale di Servizi di Archeologia), Newsletter Archeologia, Vol. 0, pp. 101-121
- Scherrato, U. 1977, *Report de Recherches Archeologiques dans la Masjid-I Guma d'Isfahan, De l'age de Al- Mansur*, IsMEO: 1-10.
- Tucci, G. 1973, *IsMEO Activities*, Vol. XXIII.: 416-429.